



# اولاد

ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال دوم | ویژه نامه ۵۴۲ |

نکته ها / آیت الله مجتبی تهرانی

## استغفار سرآمد آداب ماه رجب



آیت الله جوادی آملی:

## رسانه ها اتاق فکر دشمن را بشناسند و رسوا کنند

محمدرضا طاهماسبی، شاعر آیینی:

## شاعران جوان درباره معارف اهل بیت (ع) بیشتر بخوانند

در نشست «قم پژوهی» انجام شد

## نگاهی به سنت اجتماعی خاکسپاری در حرم حضرت معصومه (ع)

خبر

## بیمارستان رضوی؛ پشتیبان بهداشت و درمان کشور



معاون وزیر بهداشت، بیمارستان فوق تخصصی رضوی را قطب درمانی و پشتیبانی حوزه بهداشت و درمان کشور در منطقه شمال شرق کشور برشمرد و از حمایت‌های آستان قدس رضوی در این حوزه قدردانی کرد. دکتر حسین فرشیدی در حاشیه نشست کارگروه «بداوند بهداشت، درمان و تهدیدات نوین آستان قدس رضوی» که در بیمارستان رضوی برگزار شد، در گفت‌وگو با آستان‌نیوز گفت: رعایت بهداشت در خراسان رضوی به ویژه مشهد مقدس به دلیل سطح گسترده مرزهای مشترک با کشورهای همسایه و آمار بالای سفرهای داخلی و خارجی برای وزارت بهداشت از اهمیت بالایی برخوردار است و به همین دلیل است که تلاش می‌کنیم با برنامه‌ریزی و نظارت لازم، مانع از شیوع احتمالی برخی بیماری‌ها در این منطقه از کشور شویم. فرشیدی با اشاره به اقدام‌ها و خدمات‌های آستان قدس رضوی در حوزه بهداشت و درمان، تصریح کرد: آستان قدس رضوی رویکرد بسیار خوب و اثربخشی در حوزه بهداشت و درمان دارد و در کنار توجه به اقدام‌های بهداشتی در حوزه زیارت و همچنین خدمات درمانی در مراکز تحت مدیریت خود به ویژه بیمارستان فوق تخصصی رضوی، پشتیبانی‌های اثربخشی از حوزه بهداشت و درمان استان داشته است. معاون وزیر بهداشت افزود: بیمارستان رضوی همواره به عنوان یک قطب درمانی کشور ایفای نقش کرده و در حوزه ارائه خدمات بهداشتی پشتیبانی‌های لازم را ارائه کرده است.

## نیمکت زندگی

## اسم‌ها را نجات بدهیم



جشنواره جهانی هنرهای قرآنی «رستو» در مالزی در حالی امروز آخرین روزش را پشت سر می‌گذارد که آثار زیادی از هنرمندان مختلف کشورهای جهان با محوریت قرآن در آن به نمایش درآمده است. «علی جنگی» هنرمند قلمزن ایرانی هم ۲۱۳ اثر خود را در این جشنواره به نمایش گذاشته است.

از جمله آثار او در این جشنواره، نفیس‌ترین انگشتر جهان به نام «ضامن آهو» است که بر اساس ارادت این هنرمند مشهدی به امام مهربانی‌ها خلق شده است.

#### ■ می‌خواهم قلمزن شوم



پدرش حاج اسماعیل جنگی هنر قلم‌زنی رکاب انگشتر را از حدود سال ۱۳۳۲ شروع کرد و حالا پسرش راه او را در پیش گرفته است. علی جنگی به خبرگزاری رضوی می‌گوید: «سال ۱۳۵۶ در مشهد به دنیا آمدم، پدرم یکی از هنرمندان قلمزن در مشهد به شمار می‌رود و جدا از پدر بودن، استادام نیز هست و حق زیادی به گردن من و هنردوستان پایتخت معنوی ایران دارد. از ۹سالگی تحت نظارت او با این هنر آشنا شدم و یادگیری آن به بزرگ‌ترین خواسته زندگی‌ام تبدیل شد. یادم می‌آید نخستین انشای دوران تحصیلم با موضوع می‌خواهید چه کاره شوید را با عنوان من می‌خواهم قلمزن شوم، نوشتم. اگر هنرمند از نوجوانی با عشق و علاقه و تمرکز، بهترین بودن را در وجودش شعله‌ور کند در همان ابتدای جوانی می‌تواند آثار ارزنده‌ای خلق کند و هر چه پیش برود، آثارش خاص‌تر و پخته‌تر می‌شود. من آثار هنری‌ام را از ۱۶سالگی عرضه کرده‌ام. «گل رز» نخستین کارم بود و آن را طوری طبیعی قلم‌زنی کردم که هنرمندان بزرگ اصفهانی مانند استاد محمد اسکندری و استاد مهدی علمداری وقتی کارم را دیدند، احساس کردند با دستگاه تولید شده است».

#### ■ لطف امام مهربانی‌ها

ذوق و استعداد علی جنگی سبب شد تمامی سبک‌های قلم‌زنی را تجربه کند. برجسته‌کاری، قلم‌گیری، سیاه‌قلم و... تا آنجا که به کلاس‌های

چرا شهید حسن باقری را نابغه دوران دفاع مقدس می‌دانند؟

# بن بست شکن

۲



درباره حیات معنوی عارف نامدار  
مرحوم حاج اسماعیل دولابی

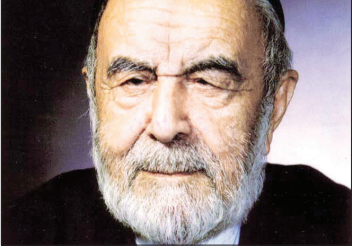
# ما را نصیحت کن!

«ابراهیم یک دفعه گفت: امیر وایسا! من هم سریع آمدم کنار خیابان. با تعجب گفتم: چی شده؟ گفت: هیچی، اگر وقت داری بریم دیدن یک بنده خدا! من هم گفتم: باشه، کار خاصی ندارم. با ابراهیم داخل یک خانه رفتیم. چند بار یاالله گفت. وارد اتاق شدیم. چند نفری نشستند. پیرمردی با عبای مشکی و کلاه‌ی کوچک بر سر، بالای مجلس بود. به همراه ابراهیم سلام کردیم و در گوشه اتاق نشستیم. صحبت حاج‌آقا با یکی از جوان‌ها تمام شد. ایشان رو کرد به ما و با چهره‌ای خندان گفت: آقا ابراهیم راه گم کردی، چه عجب این طرف‌ها؟ ابراهیم سر به زیر نشسته بود، با ادب گفت: شرمندۀ حاج‌آقا، وقت نمی‌کنیم خدمت برسیم، همین طور که صحبت می‌کردند ...



#### منبرمجازی

## چرا به خدا اعتماد نمی‌کنی؟



**حاج اسماعیل دولابی |** در دنیا همه میهمان خداییم... نمی‌بینی اونایی که میرن هیچ چیز نمی‌تونن ببرن؟ میهمان حق نداره چیزی ببره... میهمان فقط باید روزی بخوره و هی مرتب جمال صاحبخانه رو پیدا کنه و صاحبخانه رو نگاه کنه... از او تشکر کنه... تشکرش هم یعنی هر چه او فرمان بده... میگه بالای اتاق بنشین، چشم... پایین اتاق بنشین، چشم! صاحبخانه عالمه، حکمت می‌دونه... می‌دونه چه چیزی برای من خوبه... خودش آفریده و می‌دونه این چی لازم داره.

نگویمت که همه ساله می پرستی کن / سه ماه می خور و نه ماه پارسا می‌باش... تفسیر این بیت حافظ این است که سه ماه رجب و شعبان و رمضان فصول اهل محبت هستن. اولیای خدا چه چیزی برداشت کردن که وقتی به این ماه‌ها می‌رسیدن مثال بارز «واشتیاق الی قریب فی المشتاقین» بودن؟ بی‌شک به خدا اطمینان داشتن و در هر حال رضا بودن... برای اونا فرقی نمی‌کرد و همه رو به دید الهی می‌دیدن. مریضی و بی‌پولی و مرگ و غم و غصه و حتی شادی‌ها براشون نشونه است از سلطان السلاطین. چرا ما به خدا اعتماد و اتکا نمی‌کنیم در صورتی که می‌دویم کسی ما رو اندازه اون دوست نداره و به فکر ما نیست و توکل بر غیر او خسران دنیا و عقیاست؟

همه فکر می‌کنن چون گرفتارن به خدا نمی‌رسن اما واقعیت اینه که چون به خدا نمی‌رسن، گرفتارن... از هر راهی که داری میری همین الان پات رو بکوب رو ترمز! فرمونو بچرخون و بنداز تو «صراط مستقیم» تا تهتیش برو میرسی به خدا... گفتم: عباس آقا با این درآمدت زندگی‌ات می‌چرخه؟ گفت: خدا رو شکر... کم و بیش می‌سازیم. خدا خودش می‌رسونه... گفتم: حالا ما دیگه غریبه شدیم لو نمیدی از کجا میرسه...؟ گفت: نه... به خرده قناعت می‌کنم گاهی اوقات هم کار دیگه‌ای جور بشه انجام میدم، خدا بزرگه نمی‌ذاره دست خالی بمونم... هر وقت کم آوردم به جوری حل شده... خدا رزاقه، می‌رسونه... گفتم: ای بابا ما که نامحرم نیستیم، راستشو بگو دیگه!

گفت: تو فکر کن به تاجر یهودی توی بازار هست، هر ماه به مقدار پول برام میاره کمک خرجم باشه. گفتم: آهان ای انقالا دیدی گفتم... خب چرا از اول راستشو نمیگی؟ گفت: بی‌انصاف! چند بار گفتم خدا می‌رسونه باور نکردی، یک بار گفتم به یهودی می‌رسونه باور کردی، یعنی خدا به اندازه ی یهودی پیش تو اعتبار نداره؟ هی سجده می‌کنیم ولی هنوز خوب باور نداریم که یکی اون بالا هست که حواشش به ماست، تا این شک به یقین نرسه همه خدات میشن آلا خدا....

#### ■ ثبت ملی

«ضامن آهو» که در واقع طرحش از تابلو استاد فرشچیان الهام گرفته شده به عنوان نفیس‌ترین اثر هنری - معنوی، ثبت ملی هم شده است. علی جنگی درباره اثرش این را هم اضافه می‌کند که: «وقتی سر قلم‌های به کار برده شده تا حد یک چهارم سر سوزن است کار بسیار کند پیش می‌رود، فقط قلمزنی سر آهو ۷۰ روز وقت مرا گرفت ولی وقتی تمام شد حتی خودم باورم نمی‌شد که توانسته‌ام در این ابعاد که به راحتی دیده نمی‌شود تمام عضلات واقعی صورت یک حیوان لطیف همچون آهو را کار کنم. فقط بیننده هنرمندی که این انگشتر را از نزدیک می‌بیند، متوجه رنج‌های نهفته در آن می‌شود. گوشه به گوشه کار سختی خودش را داشت. از دندان‌های بچه آهو بگیرد تا سم ماده آهو یا عضلات دست جلو حیوان که

طراحی، مجسمه‌سازی و خطاطی زیر نظر استادان سیدرضا وزیری و محمود عطائی‌فر هم رفت. خودش معتقد است: وقتی که آثار یک هنرمند با معنویت همراه باشد، تأثیر خاصی بر بیننده می‌گذارد و می‌تواند نتایج بهتری داشته باشد. به طور قطع تمامی کارهای من تاکنون به دلیل روح معنوی که در آن نهفته شده، توانسته نتایج درخشانی داشته باشد. انگشترهای موزه‌ای متحرک که از فرهنگ، تمدن، اعتقادات، هنر و نقوش اصیل ایرانی اسلامی است، هر یک پیام خاص خود را دارد و یک مسیحی با دیدن یکی از این انگشترها که درباره امام علی(ع) بود، پس از چندین ماه تحقیق درباره اسلام، مسلمان شد. درباره اثر فاخرش (ضامن آهو) که نفیس‌ترین انگشتر جهان شناخته شده، می‌گوید: «ضامن آهو» تنها یک انگشتر نیست بلکه تابلو هنری



است که تمام وجودم را متوجه‌اش کردم و با عشق خاصی به اتمام رسید.

درست است که این انگشتر اثر دست من است، ولی خدا می‌داند که نگاه پر از مهر و عطوفت سفارش‌دهنده اصلی آن یعنی حضرت علی بن موسی الرضا(ع) چقدر روی این کار و نحوه ساختش تأثیر داشت. در یک روز نزدیک به ۸۰ کانال خبری این انگشتر را نفیس‌ترین انگشتر هنری و معنوی معرفی کردند و صدا و سیما نیز مستندی درباره خلق هنرمندانه این انگشتر ساخت که همه را از لطف خداوند متعال و عنایت خود امام مهربانی‌ها می‌دانم که در حق من روا داشته‌اند.

شدند توی سرم و از محالات است نام «نیره» مرا یاد «ثریا» نیندازد. - سال‌هاست عموخلیل را توی آرامگاه می‌بینم که نشسته سر قبری و قرآن می‌خواند. حتی زمستان‌ها باچتر. صدایش حرف ندارد. گرم است. پیرغلامی که اگر تقاضا کنی، سر مزار عزیزتان روضه هم می‌خواند. شاه روضه‌ای! راستش را بگویم اسم «خلیل» را جور خاصی دوست دارم. برای آنکه او، یاد ائمه(ع) را زنده می‌کند در من. نام امام حسین(ع) را.

**پی‌نوشت** همسایه طبقه بالایی نیم ساعتی می‌شود با تلفن حرف می‌زند یا درست‌تر اینکه جنگ می‌کند. با آدمی به اسم «ماریا». دلم می‌خواهد به او بگویم زندگی همه چیزش به هم وصل است... بگویم اسم‌ها گردن ما حق دارند... ما باید نجاتشان بدهیم... بگویم دل بخواهی نیست و رفتار و گفتار ما سنجاق می‌شود به اسم و فامیلیمان... بگویم کاش آدمیان شسته رفته‌تری باشیم... از آن‌ها که اسمشان را خوشبخت می‌کنند.